

فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال نهم، شماره سی و چهارم، بهار ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ۷۳ - ۸۷

تحولات مفهومی «محراب»، با تأکید بر منابع قرن سوم و چهارم هجری

فریبا پات^۱

نفیسه صبایی^۲

چکیده

واژه «محراب» پیش از اسلام وجود داشت. محراب پس از فتوحات اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اصلی مساجد اسلامی شد. تغییر در ساختار و کارکرد محراب در این دو دوره به شیوه‌های گوناگون قابل بررسی است. بررسی تحولات مفهومی یکی از روش‌های مطالعات تاریخی است. این نوشتار بر آن است تا از طریق استخراج داده‌های منابع اسلامی اعم از کتاب‌های لغت، تفسیر، منابع تاریخی و جغرافیایی قرن سوم و چهارم که این واژه بارها در آنها به کار رفته، بخشی از تحولات مفهومی آن را که منعکس‌کننده تحولات کارکردی و ساختاری محراب در گذر زمان است، بررسی کند. در این پژوهش از روش مطالعه زمان‌گذر (معناشناسی تاریخی) استفاده شده است. این روش تحولات معنایی را در چهار نوع تخصیص، توسیع، تنزل و ترفیع مطالعه می‌کند. کاربرد این روش در بررسی تحولات معنایی واژه محراب در متون نشان می‌دهد که این واژه از دلالت بر کل به دلالت بر جزء؛ از معنای عام به خاص (تخصیص معنایی) و همچنین از معنای غیردینی به معنای صرفاً دینی (ترفیع معنایی) تغییر یافته است.

کلیدواژه‌ها: مسجد، محراب، معناشناسی تاریخی، معماری اسلامی.

۱. استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول). f.pat@alzahra.ac.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه الزهرا. n.s.1899@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۶

درآمد

مسجد مهمترین بنایی است که توسط مسلمانان ساخته شد. این بنا که در ابتدا ساده بود با گسترش اسلام به سرزمین‌های دیگر به لحاظ ساختار و کارکرد دچار تغییر و تحول شد. در علل و عوامل این تغییر و تحول و راه‌های شناخت آنها نظرات گوناگونی مطرح شده است. یکی از راه‌های شناخت، دنبال کردن تحولات مفهومی است که منعکس کننده تغییرات و تحولات کارکردی و ساختاری است. این نوشتار برآن است تا این تغییر و تحولات را در یکی از مهمترین مؤلفه‌های مسجد یعنی محراب بررسی کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که این واژه در قرآن (آل عمران: ۳۷، ۳۹؛ مریم: ۱۱؛ و صورت جمع آن محاریب، سبأ: ۱۳) به چه معناست؟ در سده‌های مختلف این آیات چگونه تفسیر شده است؟ آیا تفاسیر مربوط به این واژه نشان از تغییر مفهومی و کارکردی آن دارد؟ لغت‌شناسان این واژه را چگونه معنا کرده‌اند و محراب در این آثار چه تحولات معنایی داشته است؟ این واژه از چه زمان و به چه معنا در آثار مورخان ظاهر شده است؟ با توجه به این که تحولات مفهومی و معنایی محراب، نشان از تغییر ساخت و معماری آن دارد، این نوشتار با جستجو در منابع تاریخی تلاش خواهد کرد تا این تحولات را ترسیم کند.

در بررسی تحولات مفهومی یک واژه می‌توان از معناشناسی تاریخی مدد گرفت. معناشناسی با نمود معنا در وسیع‌ترین معنای این کلمه سروکار دارد (ایزوتسو، ۳). معناشناسی از دو روش هم‌زمان^۱ و زمان‌گذر^۲ بهره می‌گیرد. معناشناسی هم‌زمان تحولات را در یک برش زمانی خاص مطالعه می‌کند و معناشناسی زمان‌گذر، تحولات معنایی را در طول زمان بررسی می‌کند (پالمر، ۲۹). مطالعه زمان‌گذر نوعی معناشناسی تاریخی را فراهم می‌کند. تحولات در معناشناسی تاریخی را می‌توان در چهار نوع اصلی تخصیص معنایی^۳، توسیع معنایی^۴، تنزل معنایی^۵ و ترفیع معنایی^۶ خلاصه کرد (صفوی، ۱۹۵-۱۹۶). به هنگام استفاده از روش‌های سایر علوم برای مطالعه تاریخی، اغلب

-
1. Diachronic
 2. Synchronic
 3. Semantic narrowing
 4. Semantic widening
 5. Semantic degeneration
 6. Semantic elevation

نمی‌توان آن روش را به طور کامل و با همه شقوق آن به کار برد؛ زیرا شواهد تاریخی کافی برای سنجش و بررسی در دسترس نخواهد بود. در این نوشتار برای مطالعه تحولات تاریخی واژه محراب از روش معناشناسی زمان‌گذر استفاده خواهد شد تا از طریق بررسی متون مختلف نشان داده شود واژه محراب در طول زمان چه نوع تحولاتی (تخصیص، توسیع، تنزل و ترفیع) را از سر گذرانده است.

پیشینه تحقیق

درباره محراب پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است، ولی هیچ یک از آنها به تحولات معنایی به عنوان راهی برای شناخت تاریخی تغییر و تحولات ساختاری و کارکردی این مؤلفه مهم مساجد توجه نکرده‌اند. علی سجادی (۱۳۷۵) در کتاب *سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول* بر تزئینات محراب مساجد ایران تأکید دارد. او در بخش‌هایی از کتاب به نظریه‌های گوناگون پیرامون منشأ محراب و تاریخچه ساخت محراب در اسلام پرداخته با این حال در مورد تحولات مفهومی محراب سخنی نگفته است. مقاله «قبله‌نمای مسجد، محراب» نوشته عباس‌علی تفضلی (۱۳۷۶)، با تکیه بر تعداد محدودی از تفاسیر، واژه محراب را از نظر لغوی در قرآن بررسی کرده است. الهام رضانی و فرید فروزانفر (۱۳۹۲) در «محراب از کلیسا تا مسجد» به بررسی واژه‌شناسی و جایگاه محراب در کلیسا پرداخته‌اند. در «محراب یا مهراب» اثر میرداود سیدیونسی (۱۳۴۳)، پس از بیان معنای محراب، تنها به اهمیت نقش بنی‌امیه در وارد کردن عنصر محراب به مساجد توجه شده است. مدخل «محراب» در *دانشنامه هنر و معماری ایرانی* براساس فرهنگ گروو نوشته جانانتان بلوم (۱۳۹۱) و ترجمه صالح طباطبایی تنها اطلاعاتی کلی درباره محراب ارائه می‌کند. فهرواری^۱ (۱۹۹۳) در مدخل «محراب» *دائرةالمعارف اسلام* ابتدا در مورد منشأ این واژه و نظرات مطرح شده در این زمینه نکاتی را آورده و بعد از اشاره مختصر به خاستگاه محراب، در مورد ساخت محراب و محراب مساجد عراق، سوریه، مصر، ایران و مغرب توضیح می‌دهد. ولان^۲ (۱۹۸۶) در مقاله «خاستگاه‌های محراب مجوف» معتقد است که

1. Fehervari
2. Whelan

خاستگاه کلمه محراب مبهم است و مطالعه رسمی درباره آن باید از زمان خلافت ولید پی گیری شود. او بر این باور است هرچند محراب خیلی دیرتر از دو عنصر مقصوره و منبر وارد مسجد شد، اما این سه عنصر در ارتباط با هم هستند. خوری^۱ (۱۹۹۸) در مقاله «محراب: از متن تا فرم»، محراب را نماد و سمبل قبله معرفی می کند و از پیچیدگی واژه محراب سخن می گوید. سارجنت^۲ (۱۹۵۹) هم در مقاله «محراب ضمن ارئه» ضمن طرح تعاریف مختلف به بیان ریشه حضرموتی آن می پردازد. پایان نامه «محراب: کارکردها، تحولات و تزئینات آن از دوره سلجوقی تا ظهور صفویه» در دانشگاه تهران، نوشته احسان سلگی (۱۳۹۳)، بیشتر به تزئینات محراب پرداخته است تا تحولات معنایی و کارکردها. بخش اول این پایان نامه عمدتاً تکرار مطالب منابع دست دوم است و در قسمت پیشینه هم نویسنده بسیاری از مقالات مربوط به این موضوع را نادیده گرفته است.

با این همه بحث اصلی پژوهش های بالا در مورد تزئینات محراب و گاهی واژه شناسی محراب است و تفاوت پژوهش حاضر با این پژوهش ها، اولاً در روش تحولات مفهومی این واژه و ثانیاً در گستره منابع کاربست این روش است.

ریشه شناسی واژه محراب

در مورد ریشه واژه محراب و معنای آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی از زبان شناسان منکر ریشه عربی آن شده اند و ریشه آن را در زبان حبشی جستجو کرده و آن را برگرفته از مکوراب^۳ حبشی دانسته اند. آنها معتقدند این واژه بعدها با ریشه عربی حرب ترکیب شده است (Whelan, 206; Khoury, 4). سارجنت معتقد است این واژه از حضرموت گرفته شده است (Serjeant, 451). البته باید به این نکته توجه داشت که عمده این نظریات برپایه منابع قبل از اسلام است.

برخی نیز ریشه این واژه را عربی دانسته اند (Khoury, 6) و بر این نظرند که محراب از فعل حرب گرفته شده و به معنای محل مبارزه با شیطان و هوای نفس است. برخی معتقدند، محراب برگرفته از حربا (نیزه) است؛ زیرا پیامبر ﷺ هنگام برگزاری نماز از

1 Khoury

2. Serjeant

3. Mekuerab

نیزه‌ای برای تعیین محل قبله استفاده می‌کردند که به نوعی با این کار علاوه بر جهت قبله، مرز عبادت را نیز مشخص می‌کردند (4, khoury). به همین دلیل تا مدت‌ها تصویر نیزه‌ای درون یک طاق بر روی سکه‌های دوره‌اموی ضرب می‌شد (Whelan, 214). سارجنت در مخالفت با این نظریه، بیان می‌کند که این امکان وجود دارد که پیامبر ﷺ از نیزه جهت زمان طلوع خورشید استفاده می‌کرده‌است (ibid).

واژه محراب ضمن پیچیدگی‌های بسیار، مشتمل بر انواع معانی نمادین و عملی است. این واژه دارای پیشینه‌ای طولانی بوده و به معنای کنج و گوشه به کار می‌رفته و بر جهت قبله در اماکن مقدس مسلمانان دلالت داشته است. باید توجه داشت که حتی محراب به نوعی کنج و زاویه تزیینی در سنگ قبرها، قاب‌ها و قالیچه‌ها نیز دلالت داشت (نک. Grabar, 1/ 165).

محراب در لغت

خلیل بن احمد فراهیدی (متوفای ۱۷۵) ضمن بیان معنی محراب یعنی «جایگاه امام در مسجد»، به محاریب بنی اسرائیل اشاره می‌کند و می‌گوید جایی که بنی اسرائیل برای نماز در آنجا گرد هم می‌آمدند، محاریب نام داشت و «محراب یک اتاق است» (فراهیدی، ۳/ ۲۱۴). ازهری ضمن بیان تعریفی مشابه تعریف فراهیدی می‌گوید: «اعراب قصر را به خاطر جایگاه و شرفش محراب می‌نامند (۷۷۲، ۷۷۳). در این تعریف ظاهراً تأکید بر کاربرد محراب در بناهای غیردینی است. راغب هم محراب را از آن جهت که محل مبارزه با شیطان و هوای نفس است محراب نامیده و می‌نویسد آدمی با قرار گرفتن در محراب باید خود را از تعلقات مادی و دنیوی دور سازد. به نظر وی اصل آن «محراب البیت» به معنای «صدر مجلس» است و چون محراب در صدر مجلس است، به این نام خوانده می‌شود. صدر خانه را نیز به جهت تشابه به محراب مسجد، محراب گفته‌اند (راغب اصفهانی، ۱/ ۲۲۵). ابن منظور محراب را صدر خانه، برترین مکان و اتاق خانه دانسته است. او مانند الأزهري و فراهیدی معتقد است محراب به معنای جایگاه امام در مسجد است. در آخر اضافه می‌کند محراب برترین جای خانه و نیز برترین جای مسجد و شریف‌ترین جایگاه پادشاهان است» (ابن منظور، ۷۸۰). زبیدی ضمن اشاره به آیه یازده سوره مریم معنای محراب را اتاق، صدر خانه و برترین

جای آن می‌داند و می‌گوید این واژه از محاربه گرفته شده‌است، زیرا مکان نمازگزار جایی است که او با شیطان و هوای نفس خود می‌جنگد (زبیدی، ۲/ ۲۵۴). وی در جای دیگر به نقل از اصمعی می‌گوید، اعراب قصر را به خاطر جایگاهش محراب می‌نامیدند (زبیدی، ۲/ ۲۵۵). این تعاریف متأخرتر را می‌توان نوعی جمع نظرات گذشته دانست که به یکدیگر بسیار شبیه‌اند و تفاوت چشمگیری میان آنها نیست. به نظر می‌رسد علت اینکه لغت‌شناسان در بیان معنی واژه محراب از غره استفاده می‌کنند، این است که آنها در واقع از این دو واژه برای توضیح یکدیگر استفاده می‌کنند (برای توضیحات بیشتر نک. Khoury, 11-12) در این تعاریف هم دلالت داشتن محراب بر کل (مسجد، خانه، قصر) و هم بر جزء (بالا و صدر مسجد، اتاق، قصر) و هم معانی دینی (مسجد) و غیردینی (قصر) مشاهده می‌شود. تنها با کنار هم گذاشتن شواهد متنی دیگر است که جهت این تحولات را تا حدی می‌توان مشخص کرد.

محراب در تفاسیر قرآنی

واژه محراب ۴ بار در قرآن آمده‌است: آیه ۳۷ سوره آل عمران: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكَ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»؛ «پس پروردگارش وی [مریم] را با حُسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت. [می] گفت: ای مریم، این از کجا برای تو [آمده است؟ او در پاسخ می] گفت: این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد». آیه ۳۹ سوره آل عمران: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ «پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می‌کرد، فرشتگان، او را ندا در دادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی - که تصدیق‌کننده [حقانیت] کلمه‌الله [عیسی] است، و بزرگوار و خویش‌تندار [پرهیزنده از زنان] و پیامبری از شایستگان است - مژده می‌دهد».

آیه ۱۱ سوره مریم: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَ



عَشِيًّا»؛ «پس، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش بپردازید».

آیه ۲۱ سوره ص: «وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ»؛ «و آیا خبرِ دادخواهان - چون از نمازخانه [او] بالا رفتند - به تو رسید؟».

ابوعبیده (متوفای ۲۰۹) در تفسیر خود، برترین قسمتِ مساجد را محراب می‌داند (ابوعبیده، ۹۱/ ۱؛ ۱۸۰/ ۲). ابن قتیبه (متوفای ۲۷۶) نیز محراب را اتاق مسجد معنی می‌کند (ابن قتیبه، ۱۰۵/ ۱، ۴۸۶). در تفسیری منسوب به ابن وهب (متوفای ۳۰۸) محراب خانه‌ای است که در آن عبادت می‌کنند (نک. ابن ابی حاتم، ۶۳۹/ ۲؛ نیز قشیری، ۲۳۸/ ۱). بر اساس نوشته این مفسران به نظر می‌رسد در سده سوم هجری محراب به معنای عام مسجد یا محل عبادت بوده‌است؛ معنایی که در سده‌های بعد همچنان مورد توجه مفسران بعدی بوده‌است. طبری (متوفای ۳۱۰) محراب را مقدم هر مجلس و برترین و بهترین مکان می‌داند (طبری، ۲۴۶/ ۳؛ ۵۶۶/ ۱۰). از سیاق کلام چنین استنباط می‌شود که طبری در مورد معنای واژه محراب با ابوعبید موافق است، در حالی که بر معنای عام‌تر محراب تأکید نمی‌کند. سمرقندی (متوفای ۳۷۳) هم محراب را برترین محل و مکانی عالی می‌داند و می‌نویسد «مسجدهایشان محراب نامیده می‌شد» (سمرقندی، ۲۰۹/ ۱؛ ۳۷۰/ ۲). ظاهراً منظور وی پرستشگاه‌های بنی‌اسرائیل است که محراب در آن، اولین مکان پرستش بوده‌است. برخی مفسران در تفسیر آیات فوق، محراب را مکانی دانسته‌اند که مانند اتاق در دارد، بالاتر از سطح زمین است و برای رفتن به داخل آن باید از نردبان استفاده کرد (نک. ثعالی نیشابوری، ۵۷/ ۳). بیضاوی (متوفای ۶۹۱) هم محراب را اتاقی مخصوص نماز می‌داند و معتقد است چون این اتاق محل مبارزه با شیطان است به این نام خوانده می‌شود (بیضاوی، ۲۵۲/ ۱، ۴۵/ ۳).

از بیان تفاسیر فوق می‌توان دریافت که واژه محراب در این آیات، اتاقی مخصوص عبادت و نیایش بوده و قبل از اسلام هم کاربرد داشته است. این معنای عام در کنار معنای خاص (محراب به عنوان جزئی از مسجد) در سده‌های اول ذکر می‌شود و به تدریج جای خود را به معنای خاص این واژه می‌دهد. تلاش برای تفسیر این واژه بر اساس ریشه عربی «حرب»، از نظر این مفسران با خاص شدن معنای این واژه همراه

است که دلالتش صرفاً بر جزئی از مسجد است نه کل آن.

محراب در منابع تاریخی

در منابع تاریخی از جمله طبقات الکبری به وجود محراب در زمان پیامبر ﷺ اشاره شده است. ابن سعد (متوفای ۲۳۰) هنگام صحبت از ساخت مسجد مدینه توسط پیامبر طول آن را از محراب تا آخر مسجد صد ذراع می‌داند (ابن سعد، ۱/ ۲۲۵). او در جایی دیگر ضمن اشاره به خطبه‌خوانی پیامبر در روزهای جمعه می‌نویسد پیامبر ﷺ برای خطبه خواندن کنار ستونی نزدیک محراب می‌ایستاد (ابن سعد، ۱/ ۲۳۶). به نظر می‌رسد منظور نویسنده از محراب، همان محل نماز خواندن است؛ زیرا زمانی که ابن سعد به آمدن نمایندگان تمیم نزد پیامبر ﷺ اشاره می‌کند، می‌نویسد آن نمایندگان موقع نماز ظهر رسیده بودند و پیامبر ﷺ بعد از نماز از محراب به سوی آنها خارج شد (همان، ۱/ ۲۸۱). ابن سعد در ادامه هنگام صحبت از بیماری پیامبر می‌گوید: روزی پیامبر در بستر بیماری بود، به ابوبکر فرمود تا به جای او با مردم نماز بخواند. ابوبکر به مسجد رفت و پیامبر ﷺ که اندکی بهبودی یافته بودند به سمت مسجد رفتند و با نشستن در کنار محراب، مردم را از فتنه‌ها آگاه کردند (همان، ۲/ ۲۰۷). او از قول واقدی می‌آورد که روزی عبدالله بن زمعه به عیادت پیامبر رفت، هنگام اذان، پیامبر ﷺ از عبدالله خواست که به مردم بگوید نماز بخوانند؛ عبدالله پس از خارج شدن از خانه، عمر را دید و از او خواست نماز را بخواند. در اینجا ابن سعد اشاره می‌کند که عمر در محراب ایستاد و تکبیره الاحرام گفت. پیامبر به محض شنیدن صدای او گفت ابوبکر نماز بخواند، آنگاه عمر از محراب بیرون رفت (همان، ۲/ ۲۱۱). سپس ابن سعد به اختلاف مردم در مورد محل دفن پیامبر ﷺ می‌پردازد و می‌گوید برخی معتقد بودند که او را در محراب یعنی جایی که با مردم نماز می‌خواند، دفن کنند که ابوبکر مانع این کار می‌شود (همان، ۲/ ۲۷۴). مورخان وقتی از محراب در زمان پیامبر ﷺ یا خلفای راشدین سخن می‌گویند از وجود محراب چه تصویری دارند و تا چه اندازه به تغییرات بعدی مساجد و تفاوت آنها با مساجد اولیه در مدینه توجه دارند؟ پاسخ این پرسش بسیار دشوار است و تنها می‌توان از اشارات آنها حدس‌هایی را مطرح کرد.



یعقوبی (متوفای ۲۹۲) جزء معدود مورخانی است که هنگام گزارش تعمیر و گسترش مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان عمر (یعقوبی، ۳۴ / ۲) و عثمان (همان، ۵۶ / ۲) هیچ اشاره‌ای به محراب مسجد نمی‌کند. تنها یک جا می‌گوید والی کوفه ولید بن عقبه در حال مستی نماز خواند و «در محراب قی کرد» (همان، ۵۷ / ۲). او حتی در مورد بازسازی مسجد مدینه در زمان ولید و دستور وی به عمر بن عبد العزیز برای این بازسازی هیچ اشاره‌ای به ساخت محراب توسط عمر بن عبد العزیز نمی‌کند (همان، ۲ / ۲۳۷). در همان ایام، دینوری (متوفای ۲۸۳) هنگام اشاره به قتل عمرو عاص می‌نویسد، قاتل عمرو عاص با شمشیر کنار محراب ایستاده بود (دینوری، ۲۶۲). در جایی دیگر می‌نویسد منصور عباسی در حالی که در محراب مسجد کاخش بود، تصمیم داشت فردی به نام ابن هبیره را به قتل رساند (همان، ۴۱۳، ۴۱۵). ابن فقیه (سده ۳) تنها کسی است که به جنس محراب مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند و می‌نویسد عمر آن را سنگفرش کرد و محراب از درخت ساج بود (ابن فقیه، ۸۱ نیز نک. ۱۵۰، ۱۵۱). طبری (متوفای ۳۱۰) در بخش قبل از اسلام، به محراب حضرت داود و آیه ۲۱ سوره ص اشاره می‌کند (طبری، ۳۹۸ / ۲). در میان پژوهشگران غربی، خوری ظاهراً بر اساس همین آیه، محراب را ساخته مرتفعی می‌داند که اهمیت و منزلت پیدا کرده‌است. طبری در بخش تاریخ دوره اسلامی از ورود عمر به ایلیا و محراب داود (طبری، ۱۷۹۱ / ۵) و در جای دیگر از ساخت اطاقکی در بالای محراب برای حفظ جان معاویه، سخن می‌گوید (طبری، ۲۶۸۹ / ۶، ۲۶۹۰). او در جای دیگر به محراب مسجد بغداد اشاره می‌کند که منصور عباسی از نیمه شب تا صبح در آن به نماز می‌ایستاد (۴۹۹۹ / ۱۱).

به نوشته ابن اعثم کوفی (متوفای ۳۱۴) هنگامی که عمر به محراب آمد ابولؤلؤ را کشت (ابن اعثم، ۲۷۰). وی در جای دیگر به وجود محراب در زمان حضرت علی علیه السلام نیز اشاره می‌کند که «ایشان وارد مسجد شد و در محراب به نماز ایستاد» (همان، ۷۵۰).

مسعودی (متوفای ۳۴۶) در باب حوادث تاریخ قبل اسلام از محراب سخن می‌گوید «و خداوند آدم را محراب، کعبه، باب و قبله نهاد و نیکان و روحانیون نورانی را به سجده او واداشت» (مسعودی، ۲۴ / ۱). به نظر می‌رسد منظور مسعودی از محراب «محل و کانون توجه» است. او سپس به عبادتگاه داود در بیت المقدس اشاره می‌کند و معتقد

است این عبادتگاه همان محراب است که در سال ۳۳۲ هنوز باقی است و بنایی بلندتر از آن نیست (همان، ۱/ ۴۹). او در تاریخ بعد از اسلام هم به عبادت شبانه حضرت علی علیه السلام در محراب اشاره می‌کند (همان، ۱/ ۷۸۱). نرشخی (متوفای ۳۴۸) در تاریخ بخارا به محلی که منصور بن نوح بن نصر برای برگزاری نماز عید ساخت و برای آن منبر و محرابی قرار داد، اشاره می‌کند (نرشخی، ۷۲). نکته قابل تأمل این است که در این منابع از تغییرات مساجد اولیه مدینه تا مساجد دیگر سرزمین‌های اسلامی که در دوره‌های بعد تحت تأثیر معماری بناهای مفتوحه قرار گرفت به صراحت صحبتی نمی‌شود و گاهی فقط سخن از کسی است که برای اولین بار در مسجدی محراب به معنای مکانی برای عبادت، ساخته است. به نظر می‌رسد با وجود همه روایت‌های تاریخی، اگر دلالت‌های منابع تاریخی در کنار منابع تفسیری، کتاب‌های لغت و حتی متون ادبی قرار گیرد، می‌توان به استنباط‌هایی در باب سیر تحول و تغییر محراب دست یافت.

تحولات معنایی محراب

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان تحولات معنایی زیر را برای واژه محراب برشمرد. تحولاتی که هریک بر اساس تفاسیر و برداشت‌های جدید از مفهوم آن می‌تواند تغییر کند.

(۱) از دلالت بر کل به دلالت بر جزء

برخی مفسرین با توجه به آیاتی که واژه محراب در آنها آمده است، معنایی کلی برای محراب در نظر گرفته‌اند و آن را یک خانه یا اتاق دانسته‌اند که محل عبادت شخص خاصی بوده است. البته این معنا مربوط به کاربرد محراب قبل از اسلام بوده است. امروزه این معنا تغییر کرده است و به بخشی از یک ساختمان محراب گفته می‌شود؛ در واقع محراب جزئی از بنای ساختمان محسوب می‌شود. یعنی در گذر زمان مفهوم محراب از کل به جزء تغییر یافته است.

(۲) از معنای عام به خاص

اگر بر اساس برخی منابع، گفته شود محراب یک اتاق است، پس معنای عام داشته

است. وقتی محراب به جزئی از ساختمان مساجد اطلاق شد، معنایی خاص پیدا کرد و محل حضور شخصی خاص یعنی امام جماعت شد. این دو تغییر یعنی تغییر از دلالت کل به دلالت بر جزء و تغییر از عام به خاص را می‌توان نوعی تخصیص معنایی قلمداد کرد. همانطور که ملاحظه شد این تخصیص معنایی بیشتر در کتب لغت و تفسیر مطرح می‌شود و مورخان کمتر به این تحول توجه دارند.

۳) از معنای غیر دینی به دینی

آیا محراب ابتدا معنایی غیردینی داشته سپس معنای دینی پیدا کرده‌است یا این‌که هم‌زمان هم به معنای مکانی دینی و هم غیردینی بوده‌است؟ با توجه به معنای لغوی محراب، و استعمال این واژه قبل از اسلام، شاید بتوان معنای غیردینی نیز برای آن در نظر گرفت. همچنین بعد از اسلام، محراب هم در مساجد و هم کاخ‌ها وجود داشته است، از این‌رو شاید بتوان معنای دینی را نیز به آن تعمیم داد. اگرچه برخی وجود محراب در کاخ (Fehervari, 7) را پیونددهنده معنای دینی و غیردینی دانسته‌اند. با این‌همه امروزه محراب تنها در مفهوم دینی آن به کار می‌رود.

نتیجه

در بررسی تحولات معنایی واژه محراب در طول زمان و در متون مختلف با روش معنانشناسی تاریخی مشخص شد که این تغییر و تحول از مقایسه تغییر معنایی از یک متن به متن دیگر و از یک مقطع زمانی به زمانی دیگر فهم خواهد شد. در واقع این فهم برآمده از همه متون در طول زمان مورد مطالعه است. بر همین اساس مقایسه متون در مقاطع زمانی (در طول زمان مورد مطالعه) این امکان را فراهم می‌کند تا تحول معنایی واژه محراب روشن شود. ظاهراً معنای دقیق محراب در قرآن بیشتر غیردینی است تا معنای دینی. همچنین به نظر می‌رسد هیچ رابطه مستقیمی بین این آیات و کاربردهای بعدی این واژه در مساجد ندارد. به بیان دیگر اصطلاح محراب به معنای معمارانه در قرآن به کار نرفته است. در منابع تاریخی نیز وقتی از مساجد و محراب‌های آنها در دوره‌ها و در سرزمین‌های گوناگون اسلامی سخن می‌گویند، کمتر به تغییر و تحولاتی که در این بناها تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله تأثیرپذیری از بناهای مذهبی و

غیرمذهبی سرزمین‌های مفتوحه یا اقتضائات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پدید آمده یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد اشارات مستقیم و غیر مستقیم منابع تاریخی صرفاً در کنار منابع تفسیری، لغوی و ادبی می‌تواند منجر به طرح استنباط‌ها و حدس‌های تاریخی شود. بر این مبنا روشن شد در معنا و مفهوم واژه محراب و در ساخت و کارکرد محراب در تاریخ اسلام، تغییر و تحولاتی رخ داده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تحول از دلالت بر کل به دلالت بر جزء؛ تحول از معنای عام به خاص (تخصیص معنایی) و تحول از معنای غیردینی به دینی (ترفیع معنایی) اشاره کرد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، ۱۴۱۵.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، مکتبه نزار مصطفی الباز، عربستان، ۱۴۱۹.
- ابن اعثم کوفی، ابی محمد احمد، الفتوح، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تحقیق غلامرضا طباطبایی مجد، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ش.
- ابن سعد، طبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، فرهنگ و اندیشه، تهران، ۱۳۷۴.
- ابن فقیه، احمد بن محمد، البلدان، مصحح یوسف الهادی، عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۶.
- ابن قتیبہ، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، بی نا، بی جا، بی تا.
- ابن منظور، لسان العرب، الدار المتوسطیه للنشر و التوزیع الجمهوریه التونسیه، تونس، ۱۴۲۶.
- ابو عبیده، معمر بن مثنی، مجاز القرآن، مکتبه الخانجی، قاهره، ۱۳۸۱.
- أزهري، منصور محمد بن احمد، تهذيب اللغة، تحقيق رياض زكي قاسم، دارالمعرفه، بيروت-لبنان، ۱۴۲۲.
- ايزوتسو، توشي هيکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
- بلوم، جان اتان، دانش نامه هنر و معماری ایرانی براساس فرهنگ گروو، ترجمه صالح طباطبایی، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۹۱.
- بیضاوی، ناصرالدین، أبی سعید عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، منشورات مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت-لبنان، ۱۴۱۰.
- پالمر، فرانک ر. نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۵.

- تفضلی، عباس علی، «قبله نمای مسجد، محراب»، مطالعات اسلامی، بهار و تابستان ۱۳۷۶، شماره ۳۵ و ۳۶.
- ثعالبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۱.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، دارالعلم الدار الشامیه، دمشق - بیروت، ۱۴۱۲ق.
- رمضان، الهام و فروزانفر، فرید، «محراب از کلیسا تا مسجد»، اولین کنفرانس ملی معماری و فضاها، شهری پایدار، مشهد مقدس، آذرماه ۱۳۹۲.
- زبیدی، سید محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی هلالی، بی‌نا، بی‌جا، ۱۳۸۶.
- سجادی، علی، *سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول*، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۵.
- سلگی، احسان، «محراب: کارکردها، تحولات و تزئینات آن از دوره سلجوقی تا ظهور صفویه»، پایان نامه به راهنمایی سید احمد رضا خضری، دانشگاه تهران، ۱۳۹۳ش.
- سمرقندی، نصرین محمد بن احمد، *بحرالعلوم*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- سید یونسی، میر داود، «محراب یا مهراب»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تبریز، زمستان ۱۳۴۳، شماره ۷۱.
- صفوی، کورش، *درآمدی بر معنی شناسی*، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیروت - لبنان، ۱۴۲۰.
- _____، *تاریخ الأمم والملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر اساطیر، تهران، ۱۳۷۵ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *العین*، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۰ق.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطایف الأثرات*، الهیئه المصریه العامه للکتاب، مصر،

بی تا.

- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۵.
- نرشخی، ابوبکر محمدبن جعفر، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن محمدبن نصر، تلخیص محمدبن زفر بن عمر، تحقیق محمدتقی مدرس رضوی، نشر توس، تهران، ۱۳۶۳.
- یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱.
- Fehervari, G. "Mihrab" in *Encyclopedia of Islam*, second edition, V.VII, P. 7-15, 1993.
- Khoury, Nuha N. N., "The Mihrab: From Text to Form", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 30, No. 1 (Feb., 1998), pp. 1-27, Published by: Cambridge University Press;
- Serjeant, R. B. "MIHRAB", *bulletin of the school of oriental and African studies university of London*, V. XXII, 1959.
- Whelan, Estelle, "The Origins of the Mihrab Mujawwaf: A Reinterpretation", *International Journal of Middle East Studies*, Vol. 18, No. 2 (May, 1986), pp. 205-223, Published by: Cambridge University Press.
- Grabar, oleg, "Art and Architecture" in *Encyclopedia of the Quran*, vol, 1, Brill, leiden, Boston, 2001.